



فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی

www.shahrud-newspaper.ir

صاحب امتیاز: جمعیت هلال احمر

مدیر مسئول: عبدالرسول وصال

سر دبیر: سید افشین امیرشاهی

نشانی: تهران، فلکه دوم صادقیه

ابتدای بزرگراه محمدعلی جناح

کوچه شهید طاهریان، شماره ۲۴

کد پستی: ۱۴۸۳۷۷۸۶۱۷

فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۰

تلفن: ۰۲۱-۴۴۹۵۶۱۰۱

چاپ: جام جم

توزیع: شرکت نشر گستر امروز

تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰

تلفن سازمان آگهی ها: ۰۲۱-۴۴۹۵۶۲۰۰

فکس: ۴۴۹۵۶۲۰۳

telegram.me/Shahrud\_Newspaper

instagram.com/Shahrud-Newspaper

صفحه  
آخر

این شرحی نهایت

معاشرت و رفت و آمد یا خوشی و نماندن حساب روز قیامت را بر انسان آسان می کند.  
امام صادق (ع)  
بانگ جرس  
از عمریسی نماند ما را  
در سر هوسی نماند ما را  
رفتیم ز دل غبار اغیار  
جز دوست کسی نماند ما را  
رفتیم به آشیانه خویش  
زنج قفسی نماند ما را  
از بس که نفس زدیم بی جا  
جای نفسی نماند ما را  
یاران رفتند رفته رفته  
دم سازه کسی نماند ما را  
گر می بردند و روشناهی  
ز ایشان قیسی نماند ما را  
گل هارفتند زین گلستان  
جز خار و خسی نماند ما را  
دل واپسی دگر ندریم  
در دهر کسی نماند ما را  
کو خضر ره می در این بیابان  
بانگ جرسی نماند ما را  
جز ناله که مونس دل ماست  
فریاد سی نماند ما را  
بستیم چو فیض لب ز گفتار  
چون همنفسی نماند ما را  
فیض کاشانی

تقویم تاریخ

رخداد

تاریخ شهر صیدا در نخستین جنگ صلیبی توسط ارتش فرستاده شده از سوی پاپ (۱۱۱۰ میلادی)  
امضای معاهده مقدماتی صلح میان ایالات متحده آمریکا و انگلستان (۱۸۲۵ میلادی)  
آغاز جنگ زمستان بین اتحاد جماهیر شوروی و جمهوری فنلاند با حمله ارتش سرخ به مرزهای فنلاند همزمان با آغاز جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹ میلادی)  
انتشار آلبوم معروف The Wall (دیوار) از سوی گروه موسیقی پینک فلوئید در بریتانیا (۱۹۷۹ میلادی)

طلوع

ساموئل تاتلر - نویسنده و داستان نویس ساختار شکن دوره ویکتوریایی، صاحب آثاری چون: یوتوپیا (آرمانشهری)، اروون (بر بالای دامنه)، راه آخرت (۱۸۲۵ میلادی)  
راینر ماریا ریلکه - از مهم ترین شاعران قرن بیستم آلمانی زبان، صاحب آثاری چون: ساعادت و روایت عشق و مرگ، کتاب زمان (۱۸۷۵ میلادی)  
رابرت آدلر - دانشمند و مخترع آمریکایی اتریشی تبار، صاحب اختراعات فراوان از جمله دستگاه کنترل از راه دور تلویزیون (۱۹۱۳ میلادی)

غروب

کاردینال ریشلیو - سیاستمدار و روحانی شهیر فرانسوی، صدراعظم لویی سیزدهم تا زمان مرگ (۱۶۴۲ میلادی)  
توماس هابز - فیلسوف سیاسی برجسته اهل انگلستان، صاحب کتاب لویاتان (۱۶۷۹ میلادی)  
لویجی گالوانی - فیزیکدان ایتالیایی، کاشف بیوالکتریسیته و از بنیانگذاران زایمان مدرن (۱۷۹۸ میلادی)  
توماس هانت مورگان - زیست شناس آمریکایی، برنده جایزه نوبل فیزیولوژی و پزشکی سال ۱۹۳۳ با خاطر پی بردن به نقش کروموزوم هادر وراثت (۱۹۴۵ میلادی)

قاب کوچک



۱۲۴۸ سال پیش، برابر با چهارم دسامبر ۱۸۹۴ میلادی، فرانسیسکو فرانکو، سیاستمدار و نظامی اسپانیایی در اربل فرول به دنیا آمد. نام فرانتسویس از هر چیز با جنگ های داخلی اسپانیا پیوند خورده است. او طی جنگی ۳ ساله (۱۹۳۶ تا ۱۹۳۹) رئیس جمهوری خود را سرکوب و قدرت مطلق را در اسپانیا به دست گرفت. زمامداری ۳۶ ساله او (تا ۱۹۷۵) با مجموعه ای از نقض حقوق بشر علیه ملت اسپانیا همراه بود که از آن با نام «وحشت سفید» (White Terror) یاد می شود. حکومت فرانکو به دلیل دشمنی ذاتی اش با فلسفه کمونیسم، در طول جنگ سرد مورد حمایت ذول غربی قرار داشت.

نگاه

حمایت از نوع دلی و انگیزشی

| مریم پناهی | مدیر خانه کوچک کوشا

در مناطقی مثل منطقه ۱۲ تهران، خانه یا سراسرای زیادی هست که تحت تملک شهرداری است و برای اهالی محل راه اندازی شده. در ساعات مختلف روز و شب سری بزیند به این سراسرای بسیار زیبا و گاهی شیک. چند کودک و زن محلی را در آنجا می بینید، مشغول به چه کاری و با چه روحیه ای؟ حالا ساعات مختلف روز و شب، سری بزیند به خانه های کودکی که توسط سازمان های مردم نهاد (ان جی او) راه اندازی می شوند همچون خانه کودکان کوشا، خانه کودک ناصر خسرو، خانه کودک شوش و... انبوه کودکان و زنانی را می بینید که با وجود دعوا و مرفعه، علیرغم مجموعه مشکلات تنگی جان و حتی تمیز نبودن محیط، باز هم با توفیق آنجاست. کانون پرورش حاکم خنده من را دارد و تلیم غم را اینکه برای بسیاری شان هیچ کاری نکرده، یعنی نتوانسته بکنند، اما باز می آیند. چرا؟ برای اینکه آنجا ارزش گذاشته می شوند، با آن ها همدلی می شود و نگاه محبت دار می بینند. از طرفی، کودکان خانواده های پدر یا مادر فوت شده، معنادار یا متواری و یا به هر دلیل آسیب دیده از نام و کلمه «بهبستی» بیزارند، وقتی یکی از اعضای خانواده خود را به هر دلیلی از دست می دهند نام بهبستی غول بی نام و اسمی است که تن این کودکان را به خورشید کودکان کار در خیابان را می لرزاند. این کودکان از ماندن و خوابیدن در خیابان، در سرما و گرما، انقدر نمی هراسند که از نام بهبستی و شهرداری می هراسند. شاید نگاه سیاست گذاران در سازمان های بهبستی و شهرداری به این کودکان کمی اجتماعی و مهربان باشد، اما بنادید صوری لازم برای کار با این کودکان، اصلاً در حوصله پرسنل بهبستی و شهرداری نیست. کار با این کودکان صوری و حوصله ای می طلبد که از نوع انگیزشی و کار داوطلبانه باشد. کودکان ما خوابیدن در کنار پدر یا مادر معنادار و موافقش (در سطح خرد) و یا خواهر و برادر کیفی قابل، در بغوله های بی در و دیواری که دور و برش با کازتن یا بیت حلبی در انتهای

حرف روز



مهدی مالکیفار  
روزنامه نگار

تمرین فروتنی!

را به مدیر دیگری می سیزند. با این همه اما گویا تا جاتان سنت حسنه اعتراف به خطا و استعفا راه دور و درازی در پیش داریم. گواه آن هم مصاحبه اخیر رئیس محترم محیط زیست کشور است که اقدام مدیر عامل راه آهن را اقدامی پوپولیستی خوانده اند! ایشان در توضیح نظر خود به مجری برنامه تلویزیونی گفته اند که تنها مسئولینی مجاز به استعفا هستند که در رقم خوردن حوادث خسارت بار مسئولیت مستقیم داشته باشند. به دو دلیل توضیحات دکتر لیتکار در این قفزه پذیرفتنی نیست. نخست این که پوپولیست به سیاست پشگانی گفته می شود که برای رسیدن به قدرت از نمایش و سر دادن شعارهای هان پرکن و بازی با احساسات مردم، روی گران نیستند. ۸ سال دولت مهرورزان کلاس درس مناسی است برای به کار بردن به جای واژه پوپولیسم و شناخت سیاستمداران مردم فریب. استعفا و عذر خواهی یک مدیر میانی که تا تعریف راجع در دین فاعلان سیاسی شناخته شده نیز جای نمی گیرد بیشتر عملی نجیبانه به نظر می رسد تا عملی پوپولیستی. ادو دیگر آن که اگر مسئولانی در پیش آمدن حادثه ناگوار مسئولیت



دعوت

شما نویسنده  
ما منتشر می کنیم

صفحه آخر «شهرود»، در راستای سیاست های کلان روزنامه منبسی بر مشارکت هر چه ملموس تر مخاطبان روند تهیه محتوا و برقراری یک ارتباط دو سویه میان رسانه و مخاطب، طرح دعوت مخاطبان برای به اشتراک گذاشتن «تجربیات شخصی در حیطه زیست اجتماعی» را به اجرا می گذارد. این طرح در نخستین گام خود ذیل محورهایی چون زندگی اجتماعی، فعالیت های مدنی، ادب معاشرت جمعی و... با طرح موضوعاتی مشخص، مخاطبان روزنامه را به مکتوب کردن تجربیات عینی خود دعوت می کند. در حقیقت صفحه آخر روزنامه شهروند تصمیم دارد با اختصاص فضای مشخص جهت انتشار این مکتوبات، از جایگاه متکلم وحده فاصله گرفته و زمینه مشارکت عملی مخاطبان در روند تولید محتوا را به این بستد.

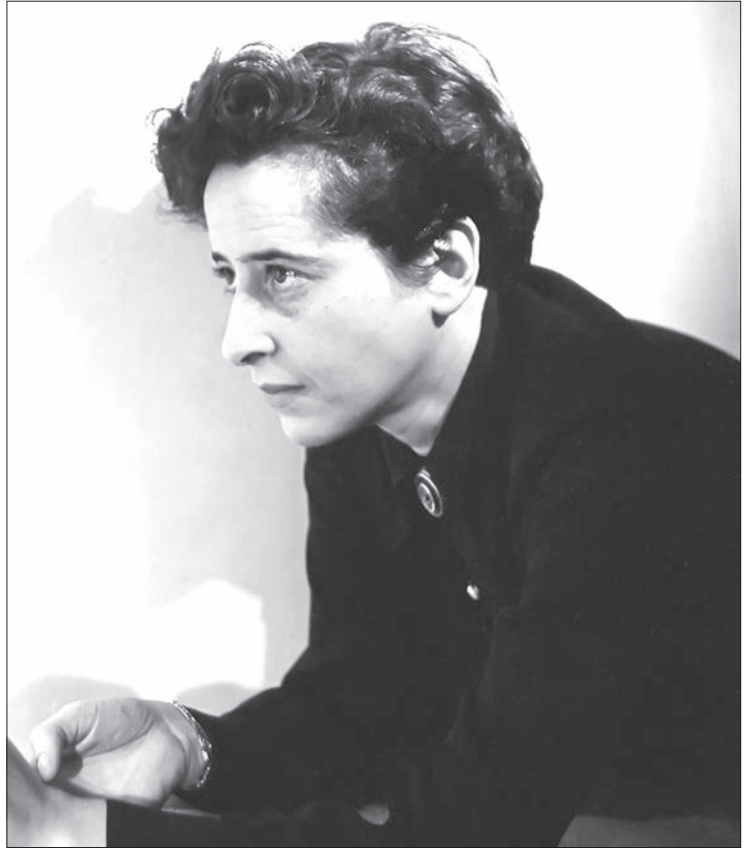
صفحه آخر «شهرود» حق خود را برای حک و اصلاح مطالب رسیده محفوظ می داند. مخاطبان به شرط خنده سار نکردن ارزش های عرفی و شرعی حاکم بر جامعه، در طرح دیدگاه های خود - هر چند با سلیق دست اندر کاران روزنامه در تضاد باشد - آزاد هستند.

در آینده مطالب منتخب و چاپ شده، توسط روزنامه شهروند در قالب یک کتاب منتشر خواهد شد.

از روزگار رفته

گوشه اتاق

به ایران برگردد. غرق خیالاتش بود و ژنرال هم داشت پرورنده را ورق می زد که در اتاق به صدا درآمد و شخصی اجازه خواست تا داخل شود. او به ژنرال احترام گذاشت و ازش خواست تا برای کار مهمی به خارج از اتاق برود. حالا دیگر ژنرال نبود و عباس چند دقیقه ای هم شده در اتاق بود و نگرانی اش اما لحظه به لحظه بیشتر می شد. در همین حالات بود که به ساعتش نگاه می انداخت. نزدیک نماز ظهر بود. با خودش گفت: «کاش اینجا نبودم و می توانستم نماز را اول وقت بخوانم.» اما او منتظر ژنرال بود. انتظارش برای آمدن ژنرال طولانی شد. باز پیش خودش زمزمه می کرد که: «هیچ کار مهمی بالاتر از نماز نیست، همین چنان نماز را می خوانم.» او آماده نماز خواندن شد به امید این که کار ژنرال دیر تمام شود. به گوشه ای از اتاق رفت و روزنامه ای را که همراه داشت به زمین انداخت و مشغول نماز شد. در حال خواندن نماز بود که ژنرال سر و کله اش پیدا شد. عباس توجه خود را از ژنرال شد اما نمی دانست چه کار کند. نماز را بخواند، نخواند؟ بالاخره تصمیم گرفت نمازش را ادامه دهد. نماز که تمام شد، رفت دوباره روبروی ژنرال نشست و از او هم معذرت خواهی کرد. ژنرال پس از چند لحظه



سکوت نگاه معناداری به عباس کرد و گفت: «چه می کردی؟» عباس گفت: «عبادت می کردم.» ژنرال توضیح بیشتری خواست و گفت: «یعنی چی؟ بیشتر توضیح بده.» عباس جواب داد: «هر دین ما دستور بر این است که در ساعات های معین از شبانه روز باید با خداوند به نیایش بپردازیم و در این ساعات زمان آن فرا رسیده بود، من هم از نبودن شما در اتاق استفاده کردم و این واجب دینی را انجام دادم.» ژنرال با توضیحات عباس سری تکان داد و گفت: «همه این مطالبی که در پرورنده تو آمده مثل این که راجع به همین کار هست، این طور نیست؟» عباس قبری سکوت کرد و بعد جواب داد: «بله همینطور.» ژنرال لبخندی زد. از نوع نگاهش پیدا بود که از صداقت عباس خوشش آمده. با چهره ای بشاش خودنویسش را از جیبش بیرون آورد و پرورنده عباس را امضا کرد و بعد با حالتی احترام آمیز از جا برخاست و دستش را به سوی عباس دراز کرد و گفت: «به شما تبریک می گویم. شما قبول شدید. برای شما آرزوی موفقیت دارم.» عباس از او تشکر کرد و از اتاق خارج شد.

۱۴ آذر، سالروز تولد شهید سرلشکر خلیان عباس پایانی

سومین دعوت:  
خاطرات سفر!

در پی پایان مهلت دومین دعوت صفحه آخر روزنامه شهروند (با موضوع شهروند محله من)، در سومین دعوت از شما مخاطبان همیشه گی صفحه آخر می خواهیم خاطر، نکته، داستان و یا هر آنچه که در سفرهای داخلی و خارجی خود تجربه کرده اید و فکر می کنید برای مخاطبان روزنامه آموزنده، جالب و خواندنی است، بنویسید و بفرستید تا در همین صفحه آن را با نام خودتان منتشر کنیم. علاقمندان به مشارکت می بایست متن های خود (بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ کلمه) را به صورت تایپ شده به آدرس ایمیل صفحه آخر ارسال کنند. مطالب دریافتی در صورت تایید محتوایی با درج نام نویسنده منتشر شده و بدیهی است اولویت انتشار با مطالبی خواهد بود که زودتر دریافت شوند.

saftehkhah@shahrud-newspaper.ir